جام جم
سینما ۵
CINEMA
پنجشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۵ شماره ۷۴۶۱

اجرای نمایش «هیس‌طوری؛ راهپیمایی اشک‌ها»

نمایش «هیس‌طوری؛ راهپیمایی اشک‌ها» به نویسندگی و کارگردانی علیرضا نجفی، تهیه‌شده در خانه نمایش امید، از ۱۷ آبان ماه ساعت ۱۸:۳۰ در تئاتر هامون اجرای خود را آغاز می‌کند. این نمایش برگرفته از مجموعه کتاب «سرگذشت استعمار» است. هیس‌طوری؛ راهپیمایی اشک‌ها سفری است به اعماق تاریخ و روایتگری داستان‌هایی که در کتاب‌های استعمار گم شده‌اند. این نمایش با نگاهی عمیق به سرگذشت‌ها، تلاش می‌کند تا رنج‌ها و تلاطم‌های انسانی را در قالب نمایشی تأثیرگذار به تصویر بکشد؛ نمایشی که در آن سکوت، خود سخنی بلند دارد. در این نمایش رضا اهورا، مبین بهزاد، بهار صبوریان، حمیدرضا قامتی، کیارش کامرو، شادمهر کیانی، بهروز لسانی و علیرضا لطفی‌زاده به ایفای نقش می‌پردازند. همچنین مرتضی اسدی‌مرام: مجری طرح، امیر دلفانی: مدیر تولید، سیاوش قائده: مشاور کارگردان، ری‌را صدر: دستیار کارگردان، کیارش کامرو، علی تاجیک و علیرضا نجفی: ایده‌پردازی، علی فتحی: برنامه‌ریز، سیدمهدی موسوی تبار: طراح پوستر و لوگوتایپ، علی تاجیک: طراح تصویر و ویدئو مپ، علی تاجیک و علیرضا نجفی: طراح صحنه و طراح لباس، درسا محمودی: طراح گریم، میلاد الهی: طراح نور، امیرعباس سوری: طراح صدا و موسیقی و مسعود شعبان‌پور: مشاور صدا و موسیقی از عوامل این نمایش هستند.





سینمای مقاومت، جدال با امپراتوری تصویری

حماقت صاحبان سرمایه و کانون‌های استعماری و همچنین تضاد بین آنها رشد سینمای مقاومت را در پی داشت



سعید مستغاثی
مستندساز و کارشناس سینما

در تاریخ سینمای جهان هر نوع فیلمی درباره حرکت‌های آزادیخواهانه و ضداشغالگرانه و مبارزه در مقابل ظلم و زور یا استکبار و استعمار را می‌توان فیلم‌هایی مربوط به سینمای مقاومت دانست؛ مانند آثاری از دوران جنگ جهانی اول یا دوم درباره مقاومت در کشورهای اشغال شده از فرانسه گرفته تا یوگسلاوی، لهستان و... در جنگ‌هایی مثل ویتنام و کره و بعد عراق و... که گروه‌های مقاومت شکل گرفتند و روایت آنها در سینما، آن آثار را در زمره سینمای مقاومت قرار می‌دهد. علاوه بر این، همیشه فیلم‌هایی در مورد مبارزان و انقلابیون و ایستادگی در برابر زور و ظلم و استبداد از آثار سینمای مقاومت به شمار رفته‌اند.

فیلم‌هایی چون «خاموشی دریا» از ژان پی یر ملویل یا «مبارزین باسک» و «نبرد الجزایر» ساخته‌های جیلو پونته‌کوروو یا فیلم‌هایی در مورد مقاومت مردم فلسطین از همین دسته آثار محسوب می‌شوند. به‌طور کلی مفهوم مقاومت به‌قدری گسترده است که می‌توان آثار سینمایی متعددی را در مورد آن مثال زد؛ یعنی این‌که سینمای مقاومت، سینمایی اصیل و دارای پیشینه در جهان محسوب می‌شود.

سینمای مقاومت در بسیاری از کشورها، با همین عنوان مقاومت یا Resistance جریان داشته، مثلا در سینمای یوگسلاوی فیلم‌هایی که عمدتا مقاومت پارتیزانی در مقابل آلمان‌ها را به تصویر می‌کشید مانند «نهضت مقاومت» یا «والتر از ساریوو دفاع می‌کند»، «غنچه‌های سرخ»، «پیروزی» یا «کوزارا» و حتی فیلم سوپرپروداکشنی به نام «نبرد رودخانه نرتوا» که در آن بازیگران معروف سینما همچون اورسن ولز، یول براینر، فرانکو نرو، سیلوا کوشینا، هاردی کروگر و... بازی داشتند. یا در فرانسه به‌عنوان مثال اولین فیلمی که نخل طلای جشنواره کن را دریافت کرد به نام «نبرد راه‌آهن» ساخته هنری کلمان هم اثری درباره گروه‌های مقاومت در فرانسه بود. یا فیلم‌هایی که کاستا گاوراس ساخت مانند «Z» درباره حکومت سرهنگ‌ها در یونان، «حکومت نظامی» روایتی از مبارزه گروه توپاماروها در اروگوئه، «اعتراف» حکایتی از مقاومت در برابر رژیم کمونیستی چکسلواکی، همچنین فیلمی همچون «سانتیاگو در باران» درباره کودتای آمریکایی ۱۹۷۳ آگوستو پینوشه و...

در انگلیس سریالی چون «ارتش سری» که از تلویزیون ایران هم پخش شد؛ مجموعه‌ای که به ماجرای یک گروه مقاومت علیه آلمان‌ها می‌پرداخت. در روسیه هم علاوه بر فیلم‌هایی با موضوع جنگ و گروه‌های مقاومت در تقابل با اشغال آلمان‌ها، آثاری مانند «شب روی شیلی» یا «کودتا» در رابطه با مبارزه و انقلاب در سایر کشورها ساخته شد که می‌توان آنها را آثاری از سینمای مقاومت دانست.

مشخصه‌های فرمیک

این فیلم‌ها به‌طور معمول روایتگر ماجرای یک گروه اشغالگر، مستبد، دیکتاتور و... بوده که در مقابل‌شان افرادی آزادیخواه و استقلال‌طلب مبارزه می‌کنند. در این آثار شاهد به تصویر کشیدن این دو قطب متضاد هستیم که فیلمساز غالبا مفاهیم انسانی را در جبهه آزادیخواه و خوی شرور و خبیث را در طرف دیگر متمرکز می‌کند.

البته بعضا شاهد رویکردها و پرداخت متفاوت هم بوده‌ایم؛ به‌عنوان مثال در فیلمی مثل «ارتش سایه‌ها» ساخته ژان پی‌یر ملویل، گروه‌های مقاومت در فرانسه، بعضا روش‌های غیرانسانی هم از خود بروز داده و برخی اعضای خائن یا پشیمان و حتی منفعل و پاسیو را به شیوه‌های خشن، مجازات می‌کنند. اما در فیلم‌هایی که مثال زدیم مانند آثار سینمای یوگسلاوی سابق و فیلم‌هایی همچون نبرد رودخانه نرتوا وجهه‌ای کاملا مثبت به افراد جناح مبارز داده شده و معمولا در افراد مبارز و انقلابی کوچک‌ترین خدشه‌ای به چشم نخورده ولی طرف مقابل، بسیار شرور و رذل نمایش داده می‌شوند. همین تقابل از نشانه‌های رایج سینمای مقاومت به حساب آمده که درگیری‌ها و جنگ‌های قهرمانانه را بر پرده سینما می‌برد.

در سینمای مقاومت می‌توان فیلم‌هایی جاسوسی، معمایی و... را هم مشاهده کرد که فرم و ساختار خاص خود را دارند و حتی در ژانرهای مختلف همچون کودک و ملودرام هم به انحای گوناگون موضوع مقاومت در قاب دوربین سینما قرار گرفته مثلا انیمه معروف «باد برمی‌خیزد» هایائو میازاکی یا خانواده والتر در سریال ارتش سری.

جریان جعلی مقاومت در سینمای غرب

اما طرفه آن‌که فیلم‌های جعلی بسیاری هم در این زمینه وجود دارد که روایتی دروغ از مقاومت و مبارزه ارائه داده است. در تاریخ سینما فیلم‌های بسیاری را از این باب می‌توان مثال زد مثل وسترن‌های آمریکایی که وسترنرها را به دروغ در حال مقاومت در برابر خشونت سرخپوست‌ها جلوه داده و آنها را حامی مظلوم به تصویر کشیده‌اند که دقیقا تصویری معکوس از واقعیت است. ۷۰ سال، سینمای وسترن آمریکا، روایتی به جهان ارائه کرد که شعارش این بود: «سرخپوست خوب، سرخپوست مرده است.» در حالی‌که خود سرخپوست‌ها یک جریان مظلوم در مقابل اشغال سفیدپوست‌ها محسوب می‌شوند اما در سینمای غرب و در واقع در سینمای وسترن این واقعیت کاملا برعکس روایت شده؛ یعنی سفیدپوست‌ها افرادی آزادیخواه، متین و مهربان و سرخپوست‌ها آدم‌هایی شرور، رذل و خبیث نمایش داده شدند. آمریکایی‌ها از طریق سینما این روایت‌های جعلی را ساخته و به خورد جهانیان دادند.

مثلا در مورد جنگ ویتنام فیلم‌های متعددی ساخته شد که آمریکایی‌های اشغالگر را آزادیخواه و ویت‌کنگ‌ها را افرادی ظالم نشان می‌داد، مانند «چارلی براوو» (کلود برنارد اوبرت ـ ۱۹۸۰) یا «ما همه سرباز بودیم» (رندال والاس ـ ۲۰۰۲) و فیلم‌های معروف‌تر مثل «شکارچی گوزن» (مایکل چیمینو ـ ۱۹۷۸) که ویت‌کنگ‌ها را آدم‌هایی بسیار وحشی نشان داد که اسرای خود را در بازی رولت روسی به شکل هولناکی می‌کشتند.

همچنین در سال‌های اخیر جریان‌های خاص سینمایی توسط کانون‌های استعماری پروپاگاندا شد که در فصل جوایز و مراسم مختلف هم جوایز بسیاری گرفتند که این جریان‌ها، اساسا مقوله مقاومت در برابر ظلم و نژادپرستی و استعمار و استبداد را وارونه جلوه می‌داد. می‌توان آن را در سال ۲۰۱۹ از فیلم «انگل» ساخته بونگ جون هو پیگیری نمود که نخل طلای جشنواره فیلم کن را دریافت کرد ولی چند ماه پس از آن، در جشنواره ونیز فیلمی به نام «جوکر» جایزه اصلی را گرفت که اساسا جریان سینمای ضدمقاومت را نهادینه کرد.

جوکر نماد فرد یا گروهی تحت ستم بود که در گاتهام سیتی علیه خانواده بروس وین و گروه ظالمش قیام کرد ولی او و همراهانش، افرادی آنارشیست، شرور و خشونت‌طلب نشان داده شدند، درحالی‌که در مقابلش جناح خانواده بروس وین اگرچه ظالم اما در مقابل آنارشی و خشونت جوکرها، قانون و نظم را حاکم گرداندند و قصه فیلم به نفع آنها پیش رفت. این فیلم و آثاری مانند «انگل»، «ما»، «روزی روزگاری در هالیوود»، «داستان ازدواج» و ... در سالی به عنوان فیلم‌های ضدمقاومت، سینمای دنیا را تسخیر کردند که حدود یک سال و نیم، جنبش جلیقه‌زردها برعلیه ظلم سرمایه‌داری، خیابان‌های فرانسه را اشغال کرده بود.

چگونه سینمای مقاومت باقی ماند

لطف الهی، حماقت صاحبان سرمایه و کانون‌های استعماری و همچنین تضاد بین آنها (مثلا غرب سرمایه‌داری و شرق کمونیسم) موجب شد، به‌رغم خواست آنها، سینمای مقاومت باقی مانده و رشد کند و همان جناح‌های مقابل به انحای مختلف، روایت سینمایی مقاومت علیه طرف دیگر را حمایت کرده یا حداقل در مقابل‌شان سکوت کنند؛ مانند آثاری که در سینمای شرق سوسیالیستی علیه غرب سرمایه‌داری ساخته شد و برعکس!

اما موضوع دیگر در این میان، تلاش فکری و فرهنگی عظیم جبهه مقاومت جهانی بود که بعضا حتی ذهنیت و تفکر و حتی گفتمان جهانی را تحت تأثیر قرار داد که مهم‌ترین بخش آن در چند سال اخیر پس از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ علیه اسرائیل و جبهه صهیونیسم اتفاق افتاد.

در واقع می‌توان گفت نسل‌کشی در غزه، ذهنیت و گفتمان جهانی را تغییر داد و باعث شد جهانیان درباره تصورات خود تجدیدنظر جدی کنند تا جایی که جایزه صلح نوبل برخلاف اکثر مواقع که به صهیونیست‌ها و عوامل و عناصر آنها تعلق می‌گرفت در سال ۲۰۲۶ به فردی اعطا شد که سال‌ها درباره فلسطین و نسل‌کشی اسرائیل تحقیق کرده بود. در واقع نوبلیست‌ها تغییری نکرده بودند بلکه ذهنیت و گفتمان جهانی تغییر کرد؛ ذهنیتی که تا قبل از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ در نهایت در سطح روشنفکری، به شهرک‌سازی در مناطق اشغالی فلسطین معترض بود اما پس از آن، تا انتهای موجودیت جعلی اسرائیل در ۷۸ سال قبل پیش رفت و پس از آن به اصل و ریشه خبیث ماجرای صهیونیسم رسید.

در همین جریان است که موج ضداسرائیلی و ضدصهیونیستی، جشنواره‌های معتبر جهانی مانند برلین، ونیز و کن را درنوردیده و آنها را از خمودگی استعماری بیرون آورد. فیلمسازی چون جاناتان گلیزر که خود یهودی است و درباره هولوکاست فیلم «منطقه مورد علاقه» را ساخت، وقتی برای دریافت جایزه اسکار همین فیلم روی صحنه رفت، بیانیه‌ای در حمایت از غزه و علیه هولوکاست خواند و به دنبال تهدیدش از سوی صهیونیست‌ها، حدود ۱۸۰ فیلمساز یهودی دیگر بیانیه حمایت از او را امضا کردند. در همین جریان، فیلم «صدای هند رجب» درباره یکی از کودکان شهید غزه، به‌عنوان یکی از نامزدهای اسکار فیلم بین‌المللی اعلام شد، در حالی‌که اعضای آکادمی اسکار تغییری نکرده بلکه مجبور شده‌اند نسبت به نسل‌کشی در غزه موضع‌گیری کنند یا در جشنواره امسال ونیز فیلمی به نام «نازا» درباره جنایات هولناک اسرائیل در غزه، یکی از مهم‌ترین جوایز این جشنواره را دریافت کرد و تماشاگران فیلم رکورد تشویق یک اثر در جشنواره ونیز را جابه‌جا کردند؛ فیلمی که آن را دو اسرائیلی ساختند. اینها همه نشانه‌هایی از تغییر ذهنیت و گفتمان در سطح جهانی است که باعث شده تا برای جنایات جنگی نتانیاهو، حکم بازداشتش از سوی دیوان بین‌المللی کیفری صادر شود و هنگام سخنرانی‌اش در سازمان ملل، بیشترین هیأت‌های نمایندگی کشورها، با ترک سالن، او را تحقیر کنند.

این ماجراها در برخی کشورهای اروپایی که به‌طور سنتی از اسرائیل حمایت کرده و کانون‌های صهیونی بر آنها حاکم هستند نیز به‌وجود آمد و تظاهرات بسیار عظیمی در این کشورها حتی از سوی یهودیان و خاخام‌های یهودی برپا شد.

این اتفاقات، قطعا خواست الهی است که سنت او به نفع مظلومان را مورد تاکید قرار می‌دهد و در سینما می‌بینیم فیلم‌های مهجوری که پیش‌تر اساسا تولید نشده یا جایی در چرخه سینمای جهانی پیدا نمی‌کردند، اینک به لطف الهی، (خارج از لابی‌های صهیونی حاکم بر سینمای جهان)، به‌طور جدی در شبکه‌های مختلف دست به دست شده و مورد استقبال قرار می‌گیرند و این اتفاقات، سینمای مقاومت را در این رقابت نابرابر زنده نگه داشته است.

رونمایی



کتاب «بلبل خرما چه دید...» درباره میناب رونمایی می‌شود

کتاب «بلبل خرما چه دید...» به نویسندگی و تصویرگری بابک قراگوزلو، با موضوع مدرسه شجره طیبه میناب و در حوزه ادبیات کودک و نوجوان را انتشارات دیبایه منتشر کرده که روز جمعه ۱۵ آبان در «فرهنگان پاسداران» مراسم رونمایی آن برگزار می‌شود. این کتاب در ۲۷ صفحه رنگی به چاپ رسیده و با نگاهی به جنگ و تأثیر آن بر زندگی کودکان، روایتی از زبان یک پرنده را پیش روی مخاطبان قرار می‌دهد. بابک قراگوزلو، نویسنده و تصویرگر این اثر، در بخشی از کتاب از بلبل خرمایی‌ای سخن می‌گوید که شاهد رویدادهای مدرسه است و روایت خود را از آنچه بر کودکان گذشته، بازگو می‌کند. بابک قراگوزلو در معرفی این اثر نوشته است: «در نگارگری ایرانی، گاه در میان هیاهوی نبرد، صف‌آرایی سپاهیان و جدال نام و ننگ، پرندگانی را می‌بینیم که در گوشه‌ای از تصویر، آرام نشسته‌اند؛ بی‌اعتنا به چکاچک شمشیرها و فارغ از سودای پیروزی و شکست. آنها شاهدان خاموش تاریخند.»

مستند



تمدید مهلت ارسال اثر در بخش «از قاب تا روایت»

به‌دلیل استقبال از بخش «از قاب تا روایت» علاقه‌مندان برای حضور در این بخش با وجود پایان مهلت ثبت‌نام و ارسال اثر در دهم تا بیست‌ودوم آبان‌ماه ۱۴۰۵ فرصت ثبت‌نام و ارسال عکس دارند. ثبت‌نام و ارسال عکس از طریق سامانه جشنواره به نشانی panel.irandocfest.ir انجام می‌شود. دبیرخانه بیستمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت»، دومین رقابت عکس با محوریت «نگاه مستند» عکاسان را برگزار می‌کند. این بخش با هدف کشف و بررسی ظرفیت‌های پیوند میان نگاه عکاسانه و روایت مستند، در این دوره از جشنواره برگزار می‌شود. این بخش از عکاسان مستند، سینماگران، مستندسازان و فعالان حوزه مستندنگاری دعوت می‌کند تا مجموعه‌ای از عکس‌های مرتبط، هدفمند و دارای توالی روایی (Sequence) ارائه دهند؛ آثاری که فراتر از ثبت واقعیت، از ظرفیت روایتگری برخوردار باشند. تمرکز برگزارکننده در این بخش بر تعداد عکس‌هایی است که تجربه عکاس را به ابزاری برای اندیشیدن و روایتگری در سینمای مستند تبدیل می‌کنند.

جشنواره



اعلام آثار راه‌یافته به جشنواره تئاتر خیابانی مریوان

هیأت انتخاب جشنواره تئاتر مریوان، پس از بررسی آثار رسیده، فهرست نهایی آثار پذیرفته‌شده را در پنج بخش آزاد، آیینی سنتی، کودک و نوجوان، دگرگونه‌های اجرایی و ملل معرفی کرد. در بخش آزاد ۱۱ اثر، در بخش آیینی سنتی سه اثر، در بخش کودک و نوجوان سه اثر، در بخش دگرگونه‌های اجرایی چهار اثر و در بخش ملل سه اثر انتخاب شده‌اند. اسامی آثار منتخب به این شرح است: بخش آزاد: «نماد» حسین نادری، «سایلنت» سیدسوران حسینی (مشروط)، «چند حرامزاده در یک تن» محمد رادمهر، «بوکسور» سیدسروش پیمبری، «ساعت صفر» حسین ایزدی، «زندگی با طعم محبت» ونوس حجتی، «وضعیت آبی قرمز» سیدفریدون احمدی، «کوچه ماهرخ بود و فریدون» مالک آبسالان (مشروط)، «محدوده روانی» رسول احمدی (مشروط) و ... بخش آیینی سنتی: «پشیا»، «هَلونَه» و «نوروز صیاد.» بخش کودک و نوجوان: «لکی جون و دوستای مهربون» و... بخش دگرگونه‌های اجرایی: «نیمکت»، «سه تن یک رهایی» و... بخش ملل: «ژیانه‌وه»، «سیاورش» و «هشتمین سفر سندباد +۱».

یادداشت

دکتر محمدهادی همایون | استاد دانشگاه

چله هفتم و فتح مبین حدیبیه

چله ششم را نیز پشت سر گذاشتیم و سرانجام وارد چله هفتم شدیم. همان‌طور که در نسبت ششمین چله با جنگ احزاب گفته بودیم، این چله پر بود از سروصدای جنگ، و خالی بود از یک جنگ واقعی؛ چیزی که آن را ذیل عنوان عملیات روانی دشمن می‌توان نام‌گذاری و طبقه‌بندی کرد. در جنگ احزاب علاوه بر این چند نکته برجسته دیگر نیز برای امروزمان قابل بازخوانی است. نخست آن‌که در آن جنگ، دشمن لااقل تلاش کرد تا یک صحنه پیروزی ظاهری از طریق عملیات موردی (با کنشگری) چند (به‌اصطلاح قهرمان یا) پهلوان درست کند که در آن (عملیات موردی) هم با شجاعت حضرت امیرالمؤمنین(ع) شکست خورد. اما در هم‌تراز آخرالزمانی آن، با پایمردی مردم و نیروهای مسلح، جرأت همین کار هم از استکبار جهانی گرفته شد. و دوم آن‌که پیامبر(ص) فرمودند دیگر پس از این جنگ، هیچ‌گاه با دشمن در سرزمین خودمان نخواهیم جنگید و اگر مقاومت کنیم نتیجه فوری آن پایان «دوران بزن دررو» و تهاجم‌های دوره‌ای خواهد بود. دیگر آن‌که متصل به جنگ احزاب و در همان روز پایان جنگ، ماجرای یهود بنی‌قریظه اتفاق افتاد. اینان همسایگانی بودند که در طول جنگ با استفاده از موقعیت همجواری و درگیری مسلمانان در مقابله با کفار، از درون مدینه دست به خیانت و ناامن کردن شهر می‌زدند. کار اینان نیز پس از پایان جنگ باید یکسره می‌شد، و شد. یهود بنی‌قریظه پس از یک درگیری برای همیشه از مدینه اخراج گردید. شاید آنچه در آخرین شب این چله تحت عنوان نشست چهارجانبه به ابتکار دبیر شورای عالی امنیت ملی در تهران شکل گرفت، نسخه آخرالزمانی همان جنگ بنی‌قریظه بود، اما از سر قدرت و بدون درگیری. و البته شاید هنوز هم این ماجرا به کمال بیشتری نیاز داشته باشد. اما آنچه برای ما در ورود به چله هفتم مهم می‌نماید، فتح مبینی است که تحت عنوان صلح حدیبیه تقریبا بلافاصله پس از احزاب رخ داد، البته اگر بپذیریم که در چله ششم از شرایط احزاب خارج شده‌ایم. در جنگ احزاب مشرکان به اهداف خود نرسیدند، اما مسلمانان نیز تنها توانستند در پشت خندق در برابر آنان مقاومت کنند؛ خندقی که در این مرحله جایگزین پرزحمت تنگه آماده احد شده بود. این شکست واقعی دشمن و پیروزی مسلمانان باید به شکل فوری دیگری تثبیت می‌شد. اینجا بود که پیامبر(ص) ابتکار حدیبیه را آفریدند.

ایشان اعلام کردند که امسال بدون سلاح برای حج به مکه می‌رویم، همان مکه‌ای که مدت‌کوتاهی پیش‌تر در پشت خندق مدینه با (تهاجم مسلحانه) آنان روبه‌رو شده بودند. اینک برای تثبیت مقاومت خندق باید دشمن در برابر دیدگان افکارعمومی احزاب حجاز، بر سر یک دوراهی آشکار قرار می‌گرفت. یا (با کاروان زیارتی مدینه) درگیر شده و (زائران) بدون سلاح قتل‌عام می‌شوند یا (مسلمانان با سرفرازی و) با گردن‌های برافراشته وارد مکه شده و دشمن را منفعل می‌سازند. بیعت رضوان به‌عنوان جلوه‌ای باشکوه از بیعت جان‌فدایان با ولی [امر] در چنین فضایی و در پی ممانعت مشرکان از ورود آنان به مکه شکل گرفت. این گروه بدون سلاح و فقط با همین بیعت توانستند چنان رعبی در دل مکه بیندازند که بالفور نماینده خود را برای مذاکره و توافق فرستادند. ۱۰ سال بدون دشمنی (و فعالیت‌های خصمانه) از نتایج این ابتکار بود که فضای متفاوتی را پیش روی مسلمانان گشود. در آن زمان اگرچه برخی مفاد آن توافق را [به‌ظاهر] ظالمانه و نابرابر (ارزیابی می‌کردند)، اما گذشت زمان نشان داد که حوادث بعدی به شکل روشنی به سود مسلمانان پیش‌رفت، و نهایتا برای مشرکان نیز (دستاوردی) جز ننگ نقض عهد و بازشدن دست مسلمانان برای ادامه قدرتمند مسیر فتح نداشت. فتح مبین حدیبیه که بی‌شک می‌تواند الگویی متفاوت در پیش روی ما قرار دهد از آنچه تاکنون تحت عنوان مذاکرات و تفاهم‌ها در جریان انقلاب اسلامی داشته‌ایم، بی‌شک، مذاکره‌ای بود به موقع و اصولی، که راه را برای چهار فتح بعدی گشود. نخست آن‌که مسلمانان را از حبس در مدینه خارج کرد و با دعوت سران کشورهای بزرگ به اسلام، نخستین گام‌های جهانی شدن را (برداشت و آغاز فرآیند جهانی شدن را) رقم زد. و دوم و مهم‌تر آن‌که دست مسلمانان را در غیاب مداخلات مکه، برای حمله به پایگاه اصلی و تجمیعی یهود و فتح خیبر باز کرد. سومین دستاورد بزرگ حدیبیه فتح بدون خونریزی مکه بود که مهم‌ترین هدف پیامبر(ص) را در آن مقطع شکل می‌داد. در چهارمین گام و در پی فتح مکه، عام‌الوفود و پیوستن گروه گروه قبایل منطقه به اسلام رخ داد. ان‌شاءالله که برای ما هم خداوند چنین سرنوشتی را رقم زده باشد. اما در ادامه فتح خیبر و مکه باید بدانیم که در آن زمان (همانند جریانی سرنوشت‌ساز) نوبت به جریان نفاق و نفوذ رسید که عملیاتی شده و البته خود را در معرض آشکارشدن و هلاک قرار دهد. اگرچه در آن دوره با همه تلاش‌های پیامبر(ص) و روشنگری‌ها، نفاق توانست چشم و دست مسلمانان را ببندد، اما امیدواریم که در این هنگامه آخرالزمان، زمان رسوایی نفاق با (یاری خدا و در راستای) بصیرت مؤمنان فرارسیده باشد.